

گفت که بهتر است به طور کل نباشند یا وجود محدودیت‌ها و قدرت جریان‌های موازی با وزارت ارشاد، امضای این افراد پای پروانه‌های ساخت و نمایش و... تا حدی ضمانت اجرایی مجوز را تضمین می‌کند. اشکال اینجاست که ما استانداردهای دوگانه داریم، به این معنا که برخی اوقات با عنایت به سازنده اثر راه را برای فیلم او باز می‌کنیم و فیلم مشابه دیگر از سازنده‌ای که به اندازه اولی مورد توجه نیست مشمول این لطف نمی‌شود. مثلاً در حوزه طنز سیاسی که فیلم آقای امیریوسفی هم در همان حوزه قرار می‌گیرد یا فیلم‌هایی در ژانر سیاسی برای خیلی از فیلمسازان کارت سفید وجود دارد و فیلم شان می‌تواند خیلی از مسائل را بدون اعتنا به بازتاب‌های منفی‌اش در جامعه با جسارت مطرح کند در حالی که این میدان برای فیلمسازان دیگر باز نیست. از این دست فیلم‌ها که یا اکران شده‌اند یا بعضی از آنها در آستانه اکران هستند کم نداشته‌ایم. اما هم‌زمان

بودیم چقدر بازتر از آنها فکر می‌کنیم و حتی آزاداندیش‌تر از آنها هستیم، متأسفانه در داخل ایران هم این اتفاق افتاده است و بعضی از مسئولان و مدیران ما چه در عرصه فرهنگ و چه در عرصه‌های دیگر هنوز در دهه ۶۰ فریز شده‌اند و با آن تفکر به مسائل نگاه می‌کنند و متوجه تغییر و تحولات جهانی نیستند. به نظر من طبیعی است در کشوری که خود را متولی فرهنگ می‌داند در حالی که تعداد زیادی از سینماهای ما وابسته به نهادهای نیمه دولتی یا دولتی است، بخواد اعمال نظر و نظارت داشته باشد و دیدگاه خود را هم جاری کند، اما تفاوت هست بین دولتمرد یا جامعه‌شناسی که با زمانه خود جلو آمده است و شرایط زمانه‌اش را می‌فهمد با کسی که هنوز حسرت زمان انقلاب را می‌خورد و می‌خواهد به آن زمان برگردد. اینکه این امور را تماماً به اهالی هنر بسپارند خود ما زیر بارش نمی‌رویم و در اینکه در شوراهای و ارگان‌ها باید نماینده‌های دولتی باشند،

سینمایی به وجود می‌آورد که هر حرکت چشم و جمله‌ای در آن به تیکه و کنایه تعبیر می‌شود و سینما از ماهیت خود دور می‌شود. حرف آقای اسعدیان را قبول دارم که ماهیت این شوراهای باید شکل دیگری پیدا کند. تغییر عملکرد شوراهای پروانه ساخت و نمایش می‌تواند یک رنسانس در سینمای ایران به وجود بیاورد. در نهایت باز هم تأکید من بر این است که این امور به دست اهالی سینما بیفتد بهتر است. اما اجازه بدهید در اینجا یک گایه هم مطرح کنم، در بحث فیلم‌های توقیفی می‌توان به عملکرد خانه سینما هم انتقاد داشت. به‌عنوان کسی که در زمان تعطیلی و بسته شدن خانه سینما مثل بسیاری از اعضای دیگر خواستار باز شدن خانه سینما بودم طبیعی است به‌عنوان عضو این نهاد صنفی از آن توقع داشته باشم که در زمان مقرر تلاش کنند این مشکل را حل کند. شاید گروهی در سینما حال خوشی دارند ولی این حال خوش باید برای همه اهالی

خوبی برای خانه سینمایی که می‌خواهد کار صنفی بکند نیست. بعد از بازگشایی خانه سینما به درست، آقای عسگریو و هیات مدیره سعی کردند خانه سینما را برگردانند به همان جایگاه میانه در حالی که هنوز خیلی‌ها دوست داشتند ما را روی جلد نگه دارند و این ما را آسیب‌پذیر می‌کرد. ما وقتی به وجود بیاورد. در نهایت چیز حرف بز نیم و موضع بگیریم و ببانیه بدهیم و این اتفاق ما را آسیب‌پذیر می‌کند. **طائرپور:** ضمن اینکه الان نماینده‌های خانه سینما هستند که دارند برای این فیلم‌ها تلاش می‌کنند اما بی‌سروصدا، شبیه بسیاری از کارهای دولت آقای روحانی که هر چیزی را در بلندگو فریاد نمی‌کند. **امیریوسفی:** اصلاً بحث سر این نیست. من خود خانم طائرپور را مثال زدم که حضورشان از دل خانه سینما و به‌عنوان نماینده اهالی سینما در شوراهای چقدر مثبت بوده است اما متأسفانه شما به نظر من جزو قاعده نیستید و استثنا هستند.

را نداشته؛ متوجه نیستیم که من فیلمساز که دارم این فیلم را برای جشنواره خارج می‌فرستم اصلاً با پروانه نمایش و ساخت تو کاری ندارم تو اصلاً فیلم من را توقیف کن. این نگاه مدیران سینمایی اشکال دارد و بحث سر افراد نیست. من اصلاً تعجب کردم وقتی خواندم مسئولان سینمایی در مقابل اعتراض یک عده به حضور فیلم «لرد» در کن، اعلام کردند که این فیلم پروانه نمایش نداشته است. پاسخ باید این باشد که زمانه تغییر کرده است و نمی‌توانید جلوی خروج فیلم را بگیرید. **امیریوسفی:** البته در مورد سؤال قبلی دبیر جشنواره اختیارات دارد و می‌تواند مجوز ارشاد را حداقل برای جشنواره خودش بگیرد که نخواستند. ولی درباره فیلم «لرد» من این فیلم را ندیدم ولی صحبت‌های شما در مورد موضع ارشاد کاملاً مورد تأیید است اما فراموش نکنیم پنج ماه قبل همین فیلم در جشنواره فیلم فجر ثبت‌نام کرد و طبق گفته اهالی ارشاد فیلمساز با یکسری از اصلاحات برای حضور فیلمش در جشنواره فیلم فجر موافقت کرده بود ولی چه اتفاقی افتاد؟ اگر به این فیلم اجازه یک نمایش در جشنواره خودمان داده می‌شد هیچ وقت شاید این اتفاقات نمی‌افتاد. الان هم سازمان سینمایی فعلی وارث اشتباهات مدیران قبلی است...

■ **راهکاری برای تغییر این ساختار هاندارد؟ به‌عنوان یک فیلمساز چه پیشنهادی دارید؟**

امیریوسفی: به نظر من یک شورای صیانت از پروانه ساخت باید در خانه سینما شکل بگیرد چون ما اینقدر حول پروانه نمایش می‌چرخیم اجازه می‌دهیم یک گروهی بدون توجه به قانونی بودن ساخت فیلم‌ها با تاندروی جلو بیایند. در نظام سینمایی یکسری خطوط قرمز وجود دارد و زمینه‌های ایران بواسطه شرایط اقتصادی و زیست خودش همواره از خطوط قرمز فاصله می‌گیرد برای اینکه کار خودش را با آرامش انجام بدهد و امید به اکران بدون دردسر داشته باشد. بحث درباره فاصله محافظه کارانه و عافیت طلبانه کلیت سینمای ایران با خطوط قرمز است. این فاصله خالی به نظر من جایی است که فیلم‌های توقیفی در آن ایجاد می‌شوند؛ فیلم‌هایی که نه از خطوط قرمز می‌شوند و نه در عین حال حاضرند به خطوط قرمز محافظه کارانه سینمای ایران برگردند. مشکل این فاصله است. بحث اصلاً درباره فیلم‌هایی نیست که از خطوط قرمز رد می‌شوند بلکه بحث درباره کسانی است که ترجیح می‌دهند نزدیک‌ترین فاصله را به این خطوط قرمز داشته باشند که به نظر من این سطح تحمل در بین مدیران و در بین خیلی از اهالی سینما بسیار پایین است و اگر شورای صیانت از پروانه ساخت وجود بیاید به اعتقاد من می‌تواند همه این شرایط را پیش‌بینی کند و دیگر فیلمساز قبلمی را نمی‌سازد که با دلپهره نگران پرونده نمایش آن باشد، پروانه نمایشی که گرفتن آن برای خیلی‌ها مثل یک اتوبان شش بانده است ولی برای بعضی‌ها از گذر ازیل صراط هم سخت‌تر است!

اسعدیان: یکی از چیزهایی که باز در گفتار دوستان وزارت ارشاد برای من عجیب بود این بود که باید فاصله‌فیلمنامه تا تصویری تا فیلم را کنترل کنیم تا چیز دیگری ساخته نشود. در جلسهای که با وزیر قبلی ارشاد داشتیم همین را گفت که ما باید سر صحنه یک نفر را بگذاریم که مطابق فیلم‌نامه‌ای‌دی فیلم ساخته‌شود. گفتند یعنی چه؟ می‌خواهید ناظر کیفی تلویزیون بگذارید؟ اصلاً مگر کسی می‌تواند بیاید سر صحنه من فیلمساز را کنترل کند. این همان نگاه دهه شصتی است.

طائرپور: حاصل هر دو رویکرد را در تلویزیون هم می‌بینیم. این همه کنترل می‌کنند. حاصل کارشان همین برنامه‌هایی است که روی آنتن می‌آید.

اسعدیان: اینکه به فیلمنامه‌ای که در وزارت ارشاد پروانه نمایش گرفته بگیریم اگر فیلمت جور دیگری بود پروانه نمایش نمی‌دهیم بی‌مغنی است. فاصله فیلم‌نامه تا فیلم هزاران کیلومتر است. یکی از دوستان فیلم‌نامه‌ای داشت که این فیلم یکی از شخصیت‌ها سی‌دی دارد که وقتی موسیقی آن پخش می‌شود همه شهر را به حرکات می‌وزون وا می‌دارد اما اینکه چه موسیقی‌ای پخش شود به فیلمساز ربط دارد؛ ممکن است من یک والس تصور کنم و محسن یک موسیقی رپ. و این همان فاصله فیلم‌نامه تا فیلم است. بدترین چیز برای دولت آقای روحانی و تیمشان، این است که باز دچار همین روزمرگی‌ها شود. دوفیلم توقیفی پیش بیاید عده‌ای را جمع کنند که تکلیفش را مشخص کنند و باز جواب گروه مخالف را بدهیم و... این گونه تا چشم به هم بز نیم چهار سال گذشته و هیچ اتفاقی هم نیفتاده است و فقط دور جشواره خارجی برود، فلان برخورد را می‌کنیم. و الان هم اعلام می‌کنیم قبلمی که در کن جایزه برده است پروانه نمایش ما

را نداشته؛ متوجه نیستیم که من فیلمساز که دارم این فیلم را برای جشنواره خارج می‌فرستم اصلاً با پروانه نمایش و ساخت تو کاری ندارم تو اصلاً فیلم من را توقیف کن. این نگاه مدیران سینمایی اشکال دارد و بحث سر افراد نیست. من اصلاً تعجب کردم وقتی خواندم مسئولان سینمایی در مقابل اعتراض یک عده به حضور فیلم «لرد» در کن، اعلام کردند که این فیلم پروانه نمایش نداشته است. پاسخ باید این باشد که زمانه تغییر کرده است و نمی‌توانید جلوی خروج فیلم را بگیرید. **امیریوسفی:** البته در مورد سؤال قبلی دبیر جشنواره اختیارات دارد و می‌تواند مجوز ارشاد را حداقل برای جشنواره خودش بگیرد که نخواستند. ولی درباره فیلم «لرد» من این فیلم را ندیدم ولی صحبت‌های شما در مورد موضع ارشاد کاملاً مورد تأیید است اما فراموش نکنیم پنج ماه قبل همین فیلم در جشنواره فیلم فجر ثبت‌نام کرد و طبق گفته اهالی ارشاد فیلمساز با یکسری از اصلاحات برای حضور فیلمش در جشنواره فیلم فجر موافقت کرده بود ولی چه اتفاقی افتاد؟ اگر به این فیلم اجازه یک نمایش در جشنواره خودمان داده می‌شد هیچ وقت شاید این اتفاقات نمی‌افتاد. الان هم سازمان سینمایی فعلی وارث اشتباهات مدیران قبلی است...

■ **راهکاری امور به اهالی هنر در برگزاری جشنواره‌ها موافق هستید؟**

اسعدیان: در مورد برگزاری جشنواره خیلی علاقه‌مند نیستیم که این‌ا امور به اصناف و سینماگرها واگذار شود. ما جشن خانه سینما را داریم که توسط اصناف برگزار می‌شود. به خاطر جشنواره فیلم فجر ممکن است اصناف سینمایی رو در روی هم قرار بگیرند که من موافق نیستم. اگر امروز فیلم محسن امیریوسفی کنار گذاشته می‌شود امیریوسفی با مسئولان در ارتباط است اما اگر سینماگران برگزارکننده جشنواره بودند ما رو در روی هم قرار می‌گرفتیم که این اصلا اتفاق خوشایندی نیست. در جشن خانه سینما به این دلیل اتفاق بدی نمی‌افتد که اصلاً رو در روی وجود ندارد. اگر به‌عنوان مثال برگزاری جشنواره به خانه سینما سپرده شود قدری خطرناک است. اما بسیاری از وظایفی را که دولت انجام می‌دهد قطعاً می‌توان به صنوف واگذار کرد. اینکه دولت فقط وظیفه نظارتی و کمک کردن به زیرساخت‌ها را داشته باشد امور را به اصناف سینمایی واگذار کند. باید اصناف عواقب را هم قبول کنند و یاد بگیرند و برای چنین مسئولیت‌هایی‌شانه‌هاشان را قویتر کنند.

■ **همایون اسعدیان:** یکی از شوخی‌هایی که آن موقع مطرح می‌شد همین بود که اگر فیلم‌های انتخاباتی را به برخی از کاندیداها ساخته بودند ما ساخته بودیم به دلیل سیاه‌نمایی یا تشویش‌اذهان عمومی بیچاره‌مان می‌کردند. برخی از این فیلم‌ها را اگر خارجی‌ها می‌دیدند می‌گفتند ایران عجب کشور بدبختی است! فیلم آقای امیریوسفی که یک هزارم آنها را هم نشان نمی‌دهد.

محسن امیریوسفی: اگر از جنس سینمایی بخوایم دسته‌بندی کنیم حرف آقای روحانی در مناظرات از جنس سینمای بدنه نبود، از جنس سینمای دولتی و سینمای تجاری هم نبود بلکه به شوخی باید گفت حرف‌های سینمای توقیفی ایران بود. منظورم از توقیف در اینجا حرف‌های خارج از عرف و صرفاً جنجالی و بی‌هدف نیست و گفته‌های صریح و غیرمحافظه کارانه‌ای است که در چارچوب قانون قصد اصلاح امور و هشدار دارد ولی از دید گروهی نباید گفته شود و توقیف می‌شود.

محسن امیریوسفی: البته من متوجه منظورتان از اینکه می‌گویید با مسئولان ارتباط دارم نمی‌شوم! در تمام این سال‌ها من هم مثل خیلی‌های دیگر هر روز راهی وزارت ارشاد شده‌ام و با مسئولانی که توانست‌ام ببینم و وظیفه داشتند به من پاسخ دهند صحبت کرده‌ام که مشکل فیلمم حل شود ولی تنها نتیجه‌ای که داشت چهار سال خانه نشینی و بیکاری و تبدیل شدن فیلمم به معضل بود! ولی حالا که بحث فعالیت اصناف سینمایی مطرح شد اگر این موضوع را درباره خانه سینما نگویم غمباد می‌گیرم! یک زمانی پز خانه سینما این بود که فیلم‌هایی در جشن خانه سینما می‌توانند شرکت کنند که فقط پروانه ساخت داشته باشند اما در سال ۹۲ پس از بازگشایی خانه سینما بیکاره این بحث مطرح شد که فیلم‌هایی می‌توانند در این جشن حضور داشته باشند که پروانه ساخت و پروانه نمایش داشته باشند. سال بعد هم شرط اکران شدن هم به آن اضافه شد! امیدوارم امسال دیگر شرطی مثل عرضه شدن در شبکه نمایش خانگی به آن اضافه نشود!

■ **محسن امیریوسفی:** اگر از جنس سینمایی بخوایم دسته‌بندی کنیم حرف آقای روحانی در مناظرات از جنس سینمای بدنه نبود، از جنس سینمای دولتی و سینمای تجاری هم نبود بلکه به شوخی باید گفت حرف‌های سینمای توقیفی ایران بود. منظورم از توقیف در اینجا حرف‌های خارج از عرف و صرفاً جنجالی و بی‌هدف نیست و گفته‌های صریح و غیرمحافظه کارانه‌ای است که در چارچوب قانون قصد اصلاح امور و هشدار دارد ولی از دید گروهی نباید گفته شود و توقیف می‌شود.

اسعدیان: یکی از چیزهایی که باز در گفتار دوستان وزارت ارشاد برای من عجیب بود این بود که باید فاصله‌فیلمنامه تا تصویری تا فیلم را کنترل کنیم تا چیز دیگری ساخته نشود. در جلسهای که با وزیر قبلی ارشاد داشتیم همین را گفت که ما باید سر صحنه یک نفر را بگذاریم که مطابق فیلم‌نامه‌ای‌دی فیلم ساخته‌شود. گفتند یعنی چه؟ می‌خواهید ناظر کیفی تلویزیون بگذارید؟ اصلاً مگر کسی می‌تواند بیاید سر صحنه من فیلمساز را کنترل کند. این همان نگاه دهه شصتی است.

طائرپور: حاصل هر دو رویکرد را در تلویزیون هم می‌بینیم. این همه کنترل می‌کنند. حاصل کارشان همین برنامه‌هایی است که روی آنتن می‌آید.

اسعدیان: اینکه به فیلمنامه‌ای که در وزارت ارشاد پروانه نمایش گرفته بگیریم اگر فیلمت جور دیگری بود پروانه نمایش نمی‌دهیم بی‌مغنی است. فاصله فیلم‌نامه تا فیلم هزاران کیلومتر است. یکی از دوستان فیلم‌نامه‌ای داشت که این فیلم یکی از شخصیت‌ها سی‌دی دارد که وقتی موسیقی آن پخش می‌شود همه شهر را به حرکات می‌وزون وا می‌دارد اما اینکه چه موسیقی‌ای پخش شود به فیلمساز ربط دارد؛ ممکن است من یک والس تصور کنم و محسن یک موسیقی رپ. و این همان فاصله فیلم‌نامه تا فیلم است. بدترین چیز برای دولت آقای روحانی و تیمشان، این است که باز دچار همین روزمرگی‌ها شود. دوفیلم توقیفی پیش بیاید عده‌ای را جمع کنند که تکلیفش را مشخص کنند و باز جواب گروه مخالف را بدهیم و... این گونه تا چشم به هم بز نیم چهار سال گذشته و هیچ اتفاقی هم نیفتاده است و فقط دور جشواره خارجی برود، فلان برخورد را می‌کنیم. و الان هم اعلام می‌کنند قبلمی که در کن جایزه برده است پروانه نمایش ما

امیریوسفی: من در آن دوره نبودم اما الان دارم تأثیرات مخربش را می‌بینم. هر چند هنوز هم بهترین فیلم‌ها تاریخ سینمای بعد از انقلاب ما مربوط به همان دهه شصت است. ولی اگر این درجه‌بندی کاملاً هنری و حرفه‌ای باشد من کاملاً با آن موافقم، اما این اتفاق هیچگاه نمی‌افتد درجه‌بندی محتوایی دیگر درجه‌بندی هنری نیست و نظرات دولتی و ارگانی هم وسط می‌آیند.

اسعدیان: مشکل آن درجه‌بندی این بود که از اینکه محسن هم می‌گوید فراتر رفت و شد درجه‌بندی ارتباطی!

طائرپور: شاید اگر بشود این مسائل را کنترل کرد سخت‌گیری راه پروانه نمایش هم کمتر شود. **اسعدیان:** یادتان هست یک‌هیات سی‌چهل نفری از تهیه‌کنندگان در فارابی درست کردند که فیلم‌ها را ببینند و به آنها درجه الف و ب بدهند. ما همه چیزمان هیأتی است، وقتی فیلمساز می‌داند که چه کسانی قرار است فیلم‌اش را ببینند از قبل با ده نفر صحبت می‌کند که هوای فیلم‌اش را داشته باشند. اگر دست خودمان بسیارند در رد و پالستی‌ها و مناسبت سینمایی گیر می‌افتیم و اگر دست دولت بدهند در



■ **فرشته طائرپور:** هیچ‌کس به‌صغر فرهادی یادنداد که از داخل ایران مراسم اسکار را چطور کارگردانی کند و جواب آدم بی‌فرهنگی مثل ترامپ و توهینی که به مسلمانان و ایرانیان کرد را به شکلی ماندگار در تاریخ بدهد. هیچ‌کس به کارگردانان و نویسندگان و تهیه‌کنندگان و هنرپیشه‌های سینما ایران دستور نداد که چگونه در مجامع بین‌المللی و بزرگه‌های انتخاباتی صحبت کنند تا عزت بیافزینند



■ **همایون اسعدیان:** یکی از شوخی‌هایی که آن موقع مطرح می‌شد همین بود که اگر فیلم‌های انتخاباتی را به برخی از کاندیداها ساخته بودند ما ساخته بودیم به دلیل سیاه‌نمایی یا تشویش‌اذهان عمومی بیچاره‌مان می‌کردند. برخی از این فیلم‌ها را اگر خارجی‌ها می‌دیدند می‌گفتند ایران عجب کشور بدبختی است! فیلم آقای امیریوسفی که یک هزارم آنها را هم نشان نمی‌دهد. **محسن امیریوسفی:** اگر از جنس سینمایی بخوایم دسته‌بندی کنیم حرف آقای روحانی در مناظرات از جنس سینمای بدنه نبود، از جنس سینمای دولتی و سینمای تجاری هم نبود بلکه به شوخی باید گفت حرف‌های سینمای توقیفی ایران بود. منظورم از توقیف در اینجا حرف‌های خارج از عرف و صرفاً جنجالی و بی‌هدف نیست و گفته‌های صریح و غیرمحافظه کارانه‌ای است که در چارچوب قانون قصد اصلاح امور و هشدار دارد ولی از دید گروهی نباید گفته شود و توقیف می‌شود.



■ **محسن امیریوسفی:** اگر از جنس سینمایی بخوایم دسته‌بندی کنیم حرف آقای روحانی در مناظرات از جنس سینمای بدنه نبود، از جنس سینمای دولتی و سینمای تجاری هم نبود بلکه به شوخی باید گفت حرف‌های سینمای توقیفی ایران بود. منظورم از توقیف در اینجا حرف‌های خارج از عرف و صرفاً جنجالی و بی‌هدف نیست و گفته‌های صریح و غیرمحافظه کارانه‌ای است که در چارچوب قانون قصد اصلاح امور و هشدار دارد ولی از دید گروهی نباید گفته شود و توقیف می‌شود.

■ **بحث با طولانی‌شد و به صورت مفصل درباره فیلم‌های توقیفی و گرفت و گیرهای پروانه ساخت و نمایش صحبت کردیم اما بیعتضاً خواسته اهالی سینما فقط به این موارد خلاصه نمی‌شود. در صحبت‌های یارانی بهتر است به دیگر مطالبات اهالی سینما از مدیران سینمایی حداقل به‌صورت تیتروار اشاره کنیم.**

طائرپور: اتفاقاتی به‌صورت عقیم و نیمه‌کاره افتاده و راه‌شده مثل جریان سینمای کودک، مانمی‌توانیم به مخاطبان کودک و نوجوان بی تفاوت باشیم. برگزاری جشنواره با چند تا فیلم ممکن است اتفاق خوبی باشد اما کافی نیست ما احتیاج به یک جریان داریم. هر جامعه‌ای کودکان خود نو می‌شود و ما باید برای نو شدن آماده باشیم. جریان سینمای کودک شروع خیلی خوبی داشت اما بی اعتراض‌های پراکنده و غیراصولی و حمایت نکردن اجرایی و عملیاتی دولت متوقف ماند. بحث مدرسه ملی سینما و مراکز مشابه باید سروشکل بهتری بگیرد. همه این امور مربوط به وظایف دولت است و مابقی امور مثل آزاداندیشی... که گفته شد بخش خصوصی راهش را پیدا می‌کند همین قدر که دولت مانع و مزاحمش نباشد می‌تواند راه خود را پیدا کند.

اسعدیان: همچنان تأکید می‌کنم امیدوارم اگر دولت بتواند در عرصه کلان اقتصاد مملکت یک قدمی به جلو بردارد حتماً حاصلش به ما هم می‌رسد.

امیریوسفی: حداقل خواسته‌من عدالت است به این معنا که برای همه فیلم‌ها و فیلمسازها و همه نگاه‌ها و سلیقه‌ها جایی وجود داشته باشد و اگر مبنا پروانه ساخت است باید به آن احترام گذاشته شود و یک گروه حرفه‌ای درباره آن صحبت کنند.

درمورد فیلمی که با مواضع فکری جریان‌هایی همخوانی ندارد سختگیری می‌شود. واقعیت این است که آدم‌هایی از بدنه سینما که وظیفه اصلی‌شان دفاع از تولیدات همکاران شان است و باید به خود فیلم نظر کنند نه فیلمساز در این شوراهای در اکثریت نیستند و برای اینکه بحث‌های افتاعی را به نتیجه برسانند کار سختی را پیش رو دارند. مسأله دیگر این است که بجز حوزه سینمای کودک که با قشری به‌عنوان مخاطب طرف هستیم که ممیزی برای آنها توجیه دارد، ما داریم این فیلم‌ها را برای بزرگسالان جامعه می‌سازیم که با واقعیت‌های خیلی شدیدتر از اینها مواجه هستند و نمی‌توانیم آنها را از دیدن، شنیدن، فهمیدن و دانستن منع کنیم. این فیلم‌ها بالاخره در جایی اکران می‌شوند و هرکس دوست دارد به تماشای آنها می‌نشیند و آنهایی هم که دوست ندارند می‌توانند انتقاد کنند، مطلب بنویسند و برخورد‌های فرهنگی با فیلم داشته باشند، اما اینکه از ابتدا ما به‌عنوان قیم تصمیم بگیریم که این فیلم را جامعه ببیند یا آن فیلم را نبیند... بر خورد درستی نیست.

اسعدیان: انتخابات این دوره پیام‌های زیادی داشت و هر کدام در بحث‌های امروز به آن استناد می‌کنیم. یکی از نکات جالب برای من استدلال ایرانی‌های خارج از کشور بود که مخالف شرکت در انتخابات بودند، می‌گرم احساس می‌کردم این افراد در سی‌ و خرده‌ای سال پیش فریز شده‌اند و ما که در ایران و اتفاقاً در فضای بسته‌تری

اصلاً بحثی نیست؛ اما نمایندگانی که در ۳۰ سال پیش فریز نشده باشند و بداندند که ملزومات امروز چیست، نگاهشان این باشد که فیلم‌ها را نشان دهیم و مردم به جایگاه‌هنرمندان حساس تر باشند.

امیریوسفی: به‌نظرم حضور سینماگران در شورای پروانه ساخت و پروانه نمایش تأثیر مثبت داشته است چرا که از جنس سینما هستند، نمونه‌ان خود خانم طائرپور هستند که حضورشان چه در برابره فیلم خودم و چه درباره دیگر فیلم‌ها مؤثر بوده است. برگردم به صحبت آقای اسعدیان که شاید این چرخه با عوض کردن آدم‌ها آنچنان عوض نمی‌شود، به نوعی اساساً بحث بر سر سیستم کار کرد شورای ساخت و پروانه نمایش است؛ سیستمی که به نظر می‌رسد از دهه ۶۰ با همان شرایط دارد کار می‌کند اصلاً تشکیل این شوراهای یک نگاه دهه شصتی است. بحث بر سر از بین رفتن آنها نیست بلکه بحث بر سر تغییر کار کرد است به گونه‌ای که افراد مهم نباشند و خود شورا تکلیفش را روشن کند که از اساس برای ارتقای سینما به وجود آمده است یا صرفاً فقط وظیفه‌اش این است که یک قیچی به دست بگیرد و هر مرحله‌ای یک قیچی بیرحمانه‌ای بزند. شاید قیاس درستی نباشد ولی من همیشه عملکرد شوراهای را به شوخی مثل کسانی می‌بینم که پشت پرده صحنه نمایش سالن مد ایستاده‌اند و تا زمانی که مدل وارد سالن شود با یک قیچی همه چیز را مرتب می‌کنند ولی عملکرد قیچی وار این شوراهای برای سینمای ایران نتیجه بالعکس دارد و

سینما باشد تا مثل یک دلقخوری بزرگ به نسل بعدی سینما منتقل نشود؛ همان نسلی که خودتان گفتید در راه است و هیچ چیزی را هم قبول ندارند و به نظرم حقتشان را بهتر می‌توانند بگیرند. **طائرپور:** الان موج انتقاد از خانه سینما زیاد شده، در حالی که اگر تعریف وجودی خانه سینما برای همه شفاف و مشخص شود که در چه حوزه‌هایی می‌تواند ورود کند و در چه حوزه‌هایی نمی‌تواند، این نگرانی مطمئن باشید خانه سینما دورهم نشینی یک عده آدم خوشحال نیست.

اسعدیان: در مورد خانه سینما یک نکته را همه جا گفته‌ام و اینجا هم تکرار می‌کنم. اولاً هیأت مدیره جدید تنها سه چهار ماه است که کارش را شروع کرده است و من به نوعی دارم از هیأت مدیره‌های قبلی حمایت می‌کنم. باور من این است که در دوره آقای شمعدری شاید به عمد و با برنامه خانه سینما را روی جلد مجلات آوردند مثل اینکه در دنیا گاهی ایران را روی جلد مجلات می‌برند و ما را بیچاره می‌کنند. خانه سینما باید در وسط مجلات باشد حتی پشت صفحه هم نباید باشد. در همان چند سال آنچنان کارکردی به خانه سینما دادند و آنچنان بشود سیاسی و جوسازی کردند که خیلی از دوستان هم باورشان شد که خوب است ما اینقدر مطرح باشیم، اینکه هر کاندیدی ریاست جمهوری بازگشایی‌خانه سینما و فعالیت‌هایش را جزو شعارهای انتخاباتی‌اش مطرح کند، لزوماً چیز



عکس: علی محمدی، ایران

مهار کند